

# سیاست‌های نفتی در قفقاز

قاسم ملکی<sup>۱</sup>

موقعیت جغرافیایی آذربایجان در محل تقاطع منافع بزرگترین قدرتهای منطقه‌ای و جهان، پس از فروپاشی شوروی به عنوان پارامتری اصلی در طراحی سیاست خارجی این کشور با مهارت مورد استفاده قرار می‌گیرد. محتوای اصلی نظریه سیاست خارجی جمهوری آذربایجان عبارت از آن است که در شرایط دشوار و پیچیده منطقه از این موقعیت جغرافیایی سودمند در مرز آسیا و اروپا، از منابع طبیعی و قبل از همه نفت خزر و زیربنای موجود برای تقویت آذربایجان به عنوان دولت مستقل و خودکفا استفاده شود. هم‌اکنون رهبران آذربایجان با کمک مالی نیرومند ایالات متحده و متحدانش، با استفاده از شک‌آور بودن استدلالهای حقوقی و کندی عمل برخی از نهادها و رهبران روسیه، به‌طور یکجانبه حاکمیت خود را به بخشی از دریای خزر که به آذربایجان تعلق ندارد، توسعه داده‌اند.

## مقدمه

آنان که روسیه را به لحاظ اجازه ورود غرب به قفقاز نکوهش می‌کنند مقابل کسانی هستند که تصور می‌کنند مواضع روسیه در قفقاز و همراهی روسیه با آمریکا موقتی است و این سیاست تا زمانی ادامه دارد که بحران داخلی روسیه فروکش نماید. این دیدگاه، بسیار خوشبینانه است و در واقع صحیح نیست. اگر دیدگاه دیگر یعنی اجبار واقعی روسها برای کار با غرب را قبول کنیم واقع‌بینانه‌تر خواهد بود. ارامنه با حمایت روسیه در مقابل جمهوری آذربایجان ایستاده‌اند. آیا نفت برای روسیه‌ای که ذخایر نفتی آن از همه عظیم‌تر است آن چنان اهمیت دارد که این کشور به لحاظ آن منافع سیاسی خود را در نظر نگیرد و یا نفت وسیله‌ای

۱ قاسم ملکی عضو هیأت تحریریه فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز است.

اقتصادی است که تبعات سیاسی بزرگی را به دنبال دارد. به طور حتم، روسیه با دید سیاسی به قفقاز می‌نگرد.

### اهمیت تعیین‌کننده نفت در مناسبات خارجی جمهوری آذربایجان

مناسبات روسیه با جمهوری آذربایجان و ارمنستان متأثر از عوامل متعدد و مختلف منطقه‌ای است. نقش یکی از این عوامل یعنی نفت آذربایجان در چگونگی شکل‌گیری روابط دو کشور افزایش یافته و به عامل تعیین‌کننده مبدل شده است. از این جهت سیاست روسیه در قفقاز با درک حضور بیشتر ایالات متحده در جمهوری آذربایجان جدی‌تر مطرح می‌گردد. فقط به وسیله مناسبات نظامی - سیاسی نمی‌توان حمایت کمابیش گسترده اجتماعی - سیاسی از مسکو را فراهم کرد. روسیه سیاست خویش را در قفقاز بسیار فعال نموده است. دلایل و ارزیابی‌های فرایند جدید مرتبط به عامل اصلی نفت است. از طرف دیگر مناقشه ارمنی - آذری به ابتکار دیپلماتهای آمریکایی در دستور کار وزارت امور خارجه آمریکا قرار گرفت و پیشنهادهای جدید گروه مینسک با برنامه صلح دیتون در بالکان شباهت بسیار دارد.

در حال حاضر نفوذ اقتصادی روسیه در قفقاز به حداقل رسیده است. در حالی که ثروتهای نفتی در سرنوشت قفقاز (از جمله جمهوری آذربایجان) که بیشترین منابع طبیعی را در جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (بعد از روسیه) دارد نقش مهمی را ایفا می‌نماید روسیه استخراج و انتقال نفت را در گرو تعیین رژیم حقوقی دریای خزر و حل مسائل زیست‌محیطی آن تلقی می‌کند.

در حال حاضر جمهوری آذربایجان که ذخایر کشف شده نفت آن حدود ۴ میلیارد تن است (۸۰ درصد آن در فلات قاره دریای خزر قرار دارد)، همراه با قزاقستان و ترکمنستان، می‌توانند سومین منطقه استخراج نفت جهان بعد از سیبری و خلیج فارس را به وجود آورند لذا، این جمهوری می‌تواند قدرت نیرومند اقتصادی و سیاسی منطقه شود.<sup>۱</sup>

تحلیل‌گران پیش‌بینی می‌کنند که نفت خزر به این زودی درآمد چندان زیادی نخواهد

۱. نژاویسیمباگازنا، ۸ آوریل ۱۹۹۷.

داد. به گفته برخی از اقتصاددانان آذربایجانی، در حالی که انکا بر نفت توجیه سیاسی دارد، از نظر اقتصادی این امر نمی تواند وضع آذربایجان را به زودی بهبود بخشد.

حفظ انحصار انتقال نفت به روسیه اجازه خواهد داد که منابع آذربایجان را کنترل کند. همچنین کشورهای غربی و قبل از همه ترکیه، ایالات متحده آمریکا و انگلستان، نیز منافع اقتصادی و سیاسی خود را در قفقاز و آسیای مرکزی دنبال می کنند.

در اینجا می توان گفت خط لوله اصلی نفت جمهوری آذربایجان با مناقشه قره باغ مرتبط می باشد. اقدامات جمهوری آذربایجان در راستای هدف آذری ها یعنی تقویت تأثیر اقتصادی در آمریکا به نفع آذربایجان است و واشنگتن کم کم با ارتقاء و توسعه مناسبات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود با ارمنستان، گرجستان و جمهوری آذربایجان به عنوان مرکز سیاستهای اقتصادی تبدیل می شود. برنامه نفتی شرکت های بزرگ بین المللی از سویی باید طرفین درگیری را آشتی دهد و از سوی دیگر اهرمی در دست ارمنستان، برای فشار بر روی آذربایجان باشد.

مارتین شاکوم رئیس بنیاد بین المللی «اصلاحات» می گوید: «روسیه در سه جهت سیاست قفقازی خویش: گرجی، ارمنی و آذری از مواضع خود عقب نشینی کرده است. با اطاعت از کارتل های نفتی، روسیه عملاً حضور ثمربخش خود در قفقاز را برای دهه ها و شاید هم صدها سال از دست می دهد».<sup>۱</sup> اگر ارمنستان و قره باغ معتقدند که استقرار صلح و ثبات با مذاکرات عملی خواهد شد اما آذربایجان اینگونه فکر نمی کند و به کارگیری راهکارهای دیگری را مدنظر دارد. آذربایجان با بررسی دورنمای رشد اقتصادی منطقه و با هدف حل مسئله قره باغ با استفاده از عامل نفت به نفع خویش در حال تلاش است. یکی از دلایل اقدام باکو چنین است: شک و تردید روسیه به نفع تولیدکنندگانی که نمی خواستند از روند شروع شده دور بمانند، تمام شد. گوا اینکه روسیه تا زمانی که هویت حقوقی کشورهای حوزه دریای خزر مشخص نشده اند، در خصوص استفاده یک طرفه از ذخایر دریای خزر ممانعت به عمل خواهد آورد. مبارزه های که در حاشیه دریای خزر در جریان است از ارزشی کلان برخوردار است. از منطقه دریای خزر دویست میلیارد تن نفت باید استخراج شود. نقطه مرکزی این بازی

فشار مسکو بر جمهوری آذربایجان است. حیدرعلی اف رئیس‌جمهور لائیک جمهوری آذربایجان که زمانی عضو یولیت بروی اتحاد شوروی بود طرفدار سرمایه‌گذاری‌های خارجی در منطقه است. در سالهای اخیر روسیه به این کشور فشار وارد آورده تا بتواند پایگاههای نظامی خود را در آنجا مستقر سازد و آن را به جمع پیمان کشورهای مشترک‌المنافع بکشاند. به موازات این اعمال روسیه کمکهای بی‌شائبه‌ای در زمینهٔ اسلحه به ارمنستان نشان داد و این کمکی بود که به ارمنستان امکان داد تا حدود ۲۰ درصد از سرزمین این کشور را اشغال کند. بنابه نوشتهٔ روزنامهٔ تراویسمایاگازتا یک میلیارد دلار اسلحهٔ روسی به ارمنستان انتقال داده شده که در صورت لزوم می‌توان آنها را بر علیه جمهوری آذربایجان به کار گرفت.

روسیه از قدیم با قفقاز دارای روابط مختلف از جمله سیاسی بوده است، اما اخیراً احساس می‌شود که برخی می‌خواهند روسیه را از صحنه قفقاز خارج نمایند. بازی سیاسی در اطراف نفت دریای خزر می‌تواند برای روسیه جهات تازه‌ای پیدا کند. به عنوان مثال وضعیت حقوقی دریای خزر تاکنون تعیین نگردیده است. جمهوری آذربایجان و قزاقستان طرفدار آن هستند که این دریا به بخشهای ملی تقسیم گردد. اگر این امر عملی گردد می‌تواند موجب افزایش تجزیه‌طلبی در داخل خود روسیه گردد. به عنوان مثال بعضی از مناطق روسیه که در ساحل دریای خزر قرار دارند می‌توانند مدعی بخشهای ساحلی خود گردند.<sup>۱</sup>

### روابط سنتی ایروان - مسکو و نگاه علم‌انسانی و مطالعات فرهنگی

ارمنستان به طور سنتی و از نگاه جامعهٔ بین‌الملل همیشه نزدیک‌ترین متحد روسیه در قفقاز به‌شمار می‌آمده و تا زمان به قدرت رسیدن پطروسیان در سال ۱۹۹۰، ارمنستان به دنبال اتخاذ یک سیاست خارجی متوازن و برقراری روابط صمیمی و حسنه با تمامی همسایگان برآمده است؛ ولی روسیه همچنان در مرکز توجه قرار دارد. همکاری‌های نظامی دو کشور را می‌توان روابط ویژه قلمداد نمود. در خلال چندین قرارداد همکاری که در سالهای اخیر منعقد شده، روسیه پایگاه نظامی خود در ارمنستان را حفظ نموده و به‌طور معمول دو کشور مانورهای نظامی مشترک انجام می‌دهند.

۱. هفته‌نامهٔ زافرا، چاپ مسکو، ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۷.

همزمان با خنثی عمل کردن روسیه در مورد درگیری قره‌باغ و ایجاد تنش در مناسبات روسیه و ارمنستان، علی‌اف در جریان دیدار از مسکو به‌طور قطعی اعلام نمود که کشور او در مناسبات خارجی خود قصد ندارد به مسکو محدود شود. علاوه بر این با به‌دست آوردن بسیاری امتیازات جدی سیاسی و دیپلماتیک از روسیه در مورد مسائل قره‌باغ و ارمنستان، علی‌اف توانست از حل مسائل مورد اختلاف نظامی در مناسبات روسیه و آذربایجان پرهیز نماید. رئیس‌جمهور آذربایجان اعلام نمود به‌غیراز خط لوله روسی حتماً خطوط لوله دیگری نیز در کار خواهند بود که از جمله از گرجستان و ترکیه عبور خواهند کرد. واشنگتن به احداث خط لوله نفت مسیر باکو - جیحون علاقه‌مند است و تمایل دارد ضررهای وارده بر ترکیه را زمانی که خط لوله نفت عراق - ترکیه بسته شد و این کشور چندین میلیارد دلار از دست داد جبران نماید.<sup>۱</sup>

### روابط باکو - مسکو

مناسبات روسیه - آذربایجان در سالهای اخیر بی‌عیب و نقص نبوده است. علت این امر، اختلاف جهات سیاست دو کشور است. آذربایجان تلاش می‌کند از طریق توسعه مناسبات اقتصادی و سیاسی استقلال خود را تحکیم کند، ولی روسیه کوشش می‌کند نفوذ خود را در منطقه حفظ کند. در عین حال امکانات اقتصادی روسیه محدود است؛ چراکه فدراسیون روسیه برای جمهوری آذربایجان تأمین‌کننده اموال یا مواد انرژی‌زا نیست. تصادفی نیست که ترکیه مهمترین شریک بازرگانی آذربایجان شده است. در جریان دیدار رسمی حیدرعلی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان، از آنکارا در ماه مه ۱۹۹۷، سه سند امضا شد، و علاوه بر قرارداد مشارکت استراتژیکی، توافق درباره ساختمان خط لوله انتقال نفت از طریق ترکیه حاصل شد. آذربایجان قصد دارد در قبال ۱۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در طرحهای مشترک نفتی، پتروشیمی، ذوب‌آهن، استخراج مواد طبیعی، صنایع غذایی و مخابراتی دریافت کند. در قرارداد دوجانبه توسعه همکاری‌های نظامی - فنی هم پیش‌بینی شده است.

۱. تراویس‌یاماگازتا، ۳ اکتبر ۱۹۹۷، مشارکت ایالات متحده و روسیه در قفقاز ممکن است (مصاحبه با ندو جاپاریدزه، سفیر گرجستان در ایالات متحده).

در منطقه خزر موقعیت ژئوپلیتیک اصولاً جدیدی به وجود آمده است که برای منافع روسیه بسیار ناگوار است و در شرایط کنونی نمی‌تواند اصلاح شود. کوشش‌های بی‌موقع و ناشیانه طرف روسی برای اصلاح این وضع و توسل به زور در این جهت، مناسبات روسی - آذربایجانی را بازهم تیره‌تر کرده و با کور را به تشدید کوشش‌ها برای قرق کردن «بخش آذربایجانی» دریای خزر با کمک بزرگترین کمپانی‌های فراملیتی جهان وادار کرد که این کوشش‌ها در موارد زیادی توجیه کافی اقتصادی نداشتند. این شتابزدگی ناشی از ترس از گام‌های غیرقابل پیش‌بینی روسیه هم بود. البته دعوت از کمپانی‌های بانفوذ نفتی روسی، از جمله «لوکویل» مواضع رسمی روسیه را که طرفدار استفاده مشترک از منابع دریای خزر فقط توسط کشورهای ساحلی است خنثی می‌کند. در نتیجه شرکت بسیار محدود این کمپانی‌های روسی در طرح‌های آذربایجانی برخلاف اراده روسیه وضع کنونی تثبیت می‌شود.

### اهمیت قفقاز در سیاست خارجی آمریکا

ایالات متحده فعالیت‌های سیاسی خود را در قفقاز به واسطه حل بحران قره‌باغ تشدید کرد. به نظر می‌رسید جامعه بین‌المللی تمایل چندانی به اعزام نیروهای پاسدار صلح به منطقه ندارد. از طرف دیگر هدف‌های اعلام شده از سوی ریاست‌جمهوری آذربایجان با منافع جامعه سرمایه‌داری آمریکا تطابق دارد. اتخاذ چنین سیاست‌هایی از طرف ایالات متحده و جمهوری آذربایجان شرایطی را فراهم کرد که همگی را به حل قطعی مناقشه بیشتر امیدوار نمود. چنین خوشبینی به واسطه مسائل مطرح در زیر بسیار واقع‌بینانه نیست.

- بسیاری از طرف‌های ذی‌نفع و مرتبط با مناقشه قفقاز خود را کنار کشیده‌اند. از جمله می‌توان از روسیه نام برد که سیاست بی‌ثباتی را در منطقه در پیش گرفته است. مسکو گاهی به این طرف و گاهی به طرف دیگر کمک می‌رساند و به این وسیله در تلاش برای حفظ تعادل و کسب منافع خود در منطقه است.<sup>۱</sup>

- در مذاکراتی که برای استقرار صلح و ثبات در منطقه برگزار می‌گردد ایران حضور ندارد. در هر صورت جمهوری اسلامی ایران به‌طور حتم با هرگونه توافقی که براساس آن

۱. روسکیه‌وستی، چاپ مسکو، ۲۷ دسامبر ۱۹۹۷.

جمهوری آذربایجان قوی‌تر شود و روسیه بالعکس ضعیف‌تر شود مخالفت می‌کند. هر یک از طرفین می‌توانند بر علیه توافق‌های کسب شده در خصوص استقرار صلح اقدام نمایند. - آمریکا و هم‌پیمان‌های غربی آن هیچ‌گونه تمایلی ندارند که نیروهای پاسدار صلح را به منطقه روانه سازند. غرب نه فقط از خشمگین شدن روسیه اجتناب می‌ورزد بلکه از آن افرادی که زندگی سربازان آمریکایی را به مخاطره بیندازند حمایت و پشتیبانی نمی‌کند. در قره‌باغ حل و فصل درگیری و سرنوشت خط نوله نفت اساساً با یکدیگر مربوط می‌باشند و پیرامون این مسائل بحث و گفتگوهای جدی در آمریکا به وقوع پیوسته است. کلیه این امور گویای تأکیدات جدید آمریکا در قفقاز است. امر مهم دیگر این است که واشنگتن که طی این سالها خود را از علی‌اف دور نگاه می‌داشت مواضع خود را بازنگری کرده است و در نتیجه رئیس‌جمهور آذربایجان به آمریکا سفر نمود.

هم‌اکنون رهبران آذربایجان با کمک مالی نیرومند ایالات متحده و متحدانش، با استفاده از شک‌آور بودن استدلال‌های حقوقی و گنبدی عمل برخی از نهادها و رهبران روسیه، به‌طور یکجانبه حاکمیت خود را به بخشی از دریای خزر که به آذربایجان تعلق ندارد، توسعه داده‌اند که برخی از متخصصان این اعمال باکو را به عنوان دزدی ژئوپلیتیکی و اقتصادی تلقی می‌کنند.<sup>۱</sup>

مردم قره‌باغ از اینکه سرنوشتشان با مسئله نفت گره خورده است بسیار عصبانی هستند زیرا می‌دانند در مقابل استقلال خواهی آنان، رنگ سیاه نفت در آذربایجان چشم میانجیگران را به خود جلب خواهد کرد و آنها به اهداف خود نخواهند رسید. اما این بازی ظریفی که علی‌اف در منطقه به‌راه انداخته است با مشکلاتی روبه‌روست. علی‌اف نمی‌تواند تمام معادلات خود را به روش غربی حل کند زیرا روسیه همچنان بیدار است و از طرف دیگر روسها نیز به دلیل مشکلات داخلی نمی‌توانند در مذاکرات با آذربایجان از خود سرعت عمل نشان دهند و مرتب مسئله تعیین مسیر خط لوله نفت را به تعویق اندازند. حال که مسئله چچن به‌طور نسبی حل شده مسکو سریعتر می‌تواند با آذربایجان همکاری داشته باشد و مسئله نفت به تعویق نخواهد افتاد.

۱. مجله «آسیا و آفریقا»، شماره ۸، سال ۱۹۹۷. و. مشریاکوف، کارشناس مرکز توسعه استراتژیک روسیه

روسیه استخراج و انتقال نفت را در گرو تعیین رژیم حقوقی دریای خزر و حل مسائل زیست‌محیطی آن تلقی می‌کند. حفظ انحصار انتقال نفت به روسیه اجازه خواهد داد که منابع آذربایجان را کنترل کند. اما کشورهای غربی و قبل از همه ترکیه، ایالات متحده آمریکا و انگلستان، نیز منافع اقتصادی و سیاسی خود را در قفقاز و آسیای مرکزی دنبال می‌کنند. ترکیه که منافع منطقه‌ای خود را دارد شرایط زیست‌محیطی و رژیم کشتیرانی در تنگه‌های دریای سیاه را مطرح کرده است. به این ترتیب، اختلافات بین این کشورها که به ظاهر به عنوان اختلافات بین مجتمع سوخت و انرژی روسیه و کمپانی‌های نفتی غربی بر سر منابع انرژی آذربایجان شوروی سابق جلوه می‌کند، با جستجوی جهت‌گیری سیاست خارجی جدید ماورای قفقاز و تشکیل فضای جدید اقتصادی ارتباط دارد.

### روسیه و آذربایجان

روسیه به سوی آذربایجان گامهایی برداشته است. بسیاری از سیاستمداران بر حق اشاره می‌کنند که بدون شرکت روسیه نمی‌توان مناقشات را حل کرد و نی آنها تفکرات خود را به آخر نمی‌رسانند و نمی‌گویند که حالا این مناقشات حل نشده است، معلوم است که مسکو برای حل آنها کوششهای کافی به عمل نیآورده است. به علاوه، حفظ مصالحه و آتش‌بس بدون حضور نیروهای حافظ صلح روسی در قره‌باغ، باعث شک در اولویت روسیه در حل مناقشه می‌شود. حل نشدن مسئله قره‌باغ به منافع روسیه در ماورای قفقاز لطمه شدیدی می‌زند. پاندول مناسبات روسی - آذربایجانی بالا رفته و این امر موجب توجه فزاینده قدرتهای غربی به منطقه شده است. روسیه باید بتدریج از برخورد نظامی - سیاسی به اقتصادی گذر کند. روسیه نمی‌تواند تنها با توسل به شیوه‌های نظامی - سیاسی روند اتخاذ تصمیمات سیاسی کشورهای قفقاز در مرحله جدید سیاست خارجی را کنترل کند. در شرایطی که ایجاد شده است، اوضاع داخلی - سیاسی جمهوری‌ها و گرایشات سیاست خارجی احزاب و گروههای مختلف از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشند.<sup>۱</sup>

انزوایی و توسعه‌طلبی نتوانسته است از منافع روسیه در قفقاز دفاع کند. برابری

۱. نزاوسیمایا گازتا، ۸ آوریل ۱۹۹۷

و هماهنگی مناسبات دوجانبه با جمهوری‌های دموکراتیک، اولویت منافع سیاسی روسیه است. آذربایجانی که از روسیه منزوی باشد، از آذربایجان متحد خطرناک‌تر است. تصویر کلی که از ارزیابی‌های سیاستمداران و دیپلماتها شکل می‌گیرد، این است که نقطه عطف هنوز نرسیده است. در سالهای آینده (سالهای ۲۰۰۳ - ۱۹۹۷) که زمان صدور نفت بیشتری است همه چیز در دست سیاستمداران و تجار روسیه و آذربایجان خواهد بود.

استراتژی سیاست خارجی جمهوری آذربایجان، بر رعایت تعادل انعطاف‌پذیری بین جهات غربی، شرقی و روسی سیاست خارجی ملی ستوار است. این امر بر مناسبات روسی - آذربایجانی تأثیر قابل توجهی گذاشته و عواقب منفی آن را برای منافع ملی روسیه و سیاست آن کشور نسبت به جمهوری آذربایجان، نمایان می‌سازد.

از طرف دیگر، لاینحل ماندن مسئله رژیم حقوقی دریای خزر بر مناسبات روسی - آذربایجانی تأثیر منفی می‌گذارد. رهبران آذربایجان بدون شک این مسئله را درک می‌کنند که روسیه مانند سابق در حل و فصل منازعه قره‌باغ نقش مهمی را ایفا می‌کند و اینکه در این زمینه امکانات و نفوذ بیشتری دارد تا میانجی‌های دیگر (سازمان امنیت و همکاری در اروپا، ایالات متحده، ترکیه و غیره) با وجود آنکه ارتش آذربایجان به‌طور عمده اسلحه ساخت شوروی و روسیه دارد، باکو مایل نیست با روسیه روابط خاص نظامی برقرار کند. اکنون در زمینه تقویت نظامی آذربایجان اولویت با ترکیه است. طبق اطلاعات منتشره، در حال حاضر بیش از ۳۰۰ کارشناس نظامی ترکی به ایجاد نیروهای مسلح ملی آذربایجان یاری می‌رسانند.<sup>۱</sup>

موقعیت دشوار اقتصادی کشور و نیاز به از سرگیری مناسبات سابق اقتصادی و علاقه به ادامه روابط با روسیه، آذربایجان را به جستجوی راههای احیای همکاری با روسیه سوق می‌دهد. فواید نزدیکی با روسیه برای آذربایجان روشن است. در اینجا باید وابستگی بالای ساختار اقتصادی آذربایجان به همکاری با اقتصاد روسیه و اهمیت راههای ارتباطی آذربایجان با کشورهای اروپای شرقی، اوکراین، مولداوی، کشورهای بالتیک و بیلوروسی که از خاک روسیه می‌گذرند را در نظر گرفت. در مجموع، حفظ و توسعه مناسبات بازرگانی و اقتصادی با روسیه مهمترین وسیله تثبیت اوضاع اقتصادی آذربایجان و برطرف کردن بحران اجتماعی -

۱. روزنامه DAWN، چاپ کراچی، پاکستان، ۲۰ ژوئن ۱۹۹۷.

اقتصادی در این کشور باقی می ماند. همچنین، میزان بالای وابستگی متقابل اقتصادی، تجاری و مالی دو کشور بهترین موجبات را برای تکامل مثبت مناسبات سیاسی دوجانبه فراهم می کند. تجربه همکاری بین المللی نشان می دهد که مناسباتی از همه مهمتر است که بر سود متقابل استوار باشد.

### نتیجه گیری

بسیاری از خطرات واقعی و بالقوه برای منافع ملی و امنیت روسیه در قفقاز با آذربایجان ارتباط دارند. هرچند که رهبران کنونی آذربایجان به صورت تاکتیکی وفاداری به روسیه را از خود نشان می دهند. خط استراتژیکی نظامی - سیاسی آنها به غرب گرایش پیدا کرده است. آذربایجان کلید نفت خزر است که طبق پیش بینی های مقدماتی، در قرن بیست و یکم کشورهای اروپایی و بسیاری از کشورهای دیگر جهان بدان وابسته خواهند بود. این عامل نه تنها بر خط مشی سیاسی آذربایجان بلکه بر کل اوضاع ژئوپلیتیک ماورای قفقاز و منطقه جنوبی تأثیر خواهد گذاشت.

باکو درهای خود را برای ورود نفوذ غربی باز کرده است، منافع ایالات متحده، انگلستان، ترکیه و چند کشور دیگر در این کشور حکمفرما شده در حالی که مواضع روسیه به علت کوتاه بینی مسکو مختل گردیده است. از دست دادن کامل آذربایجان بدون جبران شایسته ژئوپلیتیک برای روسیه موجب رویارویی نامطلوب با باکو و متحدان جدید آن و تضعیف موقعیت روسیه در ماورای قفقاز و کل قفقاز خواهد شد. مسکو و باکو مسائل فراوانی دارند که حل و فصل آنها با بحران قره باغ و تعیین رژیم حقوقی دریای خزر ارتباط دارد. هر نوع کندی عمل در رابطه با حل مسائل مورد اختلاف، به ضرر روسیه بوده و نفوذ غرب در آذربایجان را تحکیم می کند.